

قضاوتی بر نقد ها

از: حق گو

تا جائیکه مربوط به قضاوت و بررسی اینجانب از نوشته های "نقدی بر نوشته ی "مائوئیست های افغانستان" و انتقاد از یک ناقد پاسخی کوتاه از "مائوئیست های افغانستان" می باشد، این است:

۱- آقا یا خانم کاروان صرفاً جنبه های ضعف سیاسی ایدئولوژیک آقای الینگار یا مائوئیست های افغانستان را نشانی کرده است. وی پیرامون بحث الینگار از یک موضع قدرتمندی توانسته است بحث را بشکافد و لب و لعاب آن را بیرون بریزد.

۲- آقا یا خانم کاروان در نوشته اش نزاکت های بحث را دقیقاً مراعات کرده است که خواننده میفهمد کاروان با الینگار از درب انتقاد سازنده برخورد کرده است.

۳- در یک سند نقد، ناقد موظف نیست موضع گیری های سیاسی اش را از الف گرفته تا یا در نوشته اش مشخص کند که مثلاً کاروان نظرش پیرامون انقلاب نیپال چیست و درباره موضع گیری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان چه نظر دارد. او تنها لغزش ها و نفهمیدگی های مائوئیست های افغانستان را به نقد کشیده ولی الینگار از او بیوگرافی سیاسی میخواهد.

۴- جالبیت قضیه در این است که الینگار نوشته اش را بنام الینگار امضا کرده اما در متن نوشته اش نمایندگی از مائوئیست های افغانستان کرده است. هر خواننده ای که نوشتهء "انتقاد از یک ناقد" را بخواند چنین برداشت میکند که مائوئیست های افغانستان یعنی الینگار و الینگار یعنی مائوئیست های افغانستان؟! او نوشتهء "انتقاد از یک ناقد" را تقریباً چند ساعت بعد از نشر سند "نقدی بر نوشته ی "مائوئیست های افغانستان" در سایت بابا در حالی نوشته و به وبسایت بابا روان کرده است که در شهر مونشن آلمان بسر می برد. یعنی او نیازی ندیده است که با رفاقیش درین بابت مشوره کند که چیزی را بنام

مائوئیست های افغانستان در سایت انترنتی میدهد. ازین اقدام او چنین برداشت می شود که یا رفقای وجود ندارند و یا اینکه خود او فرمانده کل قوا است و هیچ کسی را جلو رویش نمی بیند که اهمیت مشوره داشتن با آنها باشند. به این ترتیب ما باید تمامی نوشته های الینگار را از جانب مائوئیست های افغانستان و نوشته های مائوئیست های افغانستان را از جانب الینگار بدانیم و بشناسیم. دلیلش هم این است که او خود این راز را افشا کرده است.

۵- من در تمامی نوشته الینگار یا مائوئیست های افغانستان، موردی را نیافته ام که بدون اهانت و حتی بدون فحش و دشنام دادن به طرف مقابل باشد، لذا ازین بابت متحیرم که وی چرا نوشته است، کمونیست ها یکدیگر را مورد اهانت قرار نمیدهند. او دچار مشکل فراموشی است یا اینکه این پیام را میرساند که وی خود کمونیست نیست؟

۶- آقای الینگار در مقابل آنهمه استدلال کاروان نوشته است که " نزد کمونیست ها، تغییر مناسبات تولیدی، مضمون و جهت تاریخی دیگر دارد تا تغییر مناسبات تولیدی در انقلاب کبیر فرانسه و یا جاهائی دیگری، که شما از آن نام میبرید. یک کمونیست سخن رفیقش را بطور انتزاعی مورد بررسی قرار نمیدهد، تا از آن نتیجه مطلوب خود را بگیرد." آخر جناب الینگار! نزد کمونیست ها، تغییر مناسبات تولیدی، چه مضمون و جهت تاریخی دیگری دارد؟ ما که مضمون و جهت تاریخی استدلال کاروان را دانستیم اما از خودت را به والله اگر فهمیده باشیم. شما که ادعا دارید یک کمونیست سخن رفیقش را بطور انتزاعی مورد بررسی قرار نمیدهد، گل گفته اید اما خود همین استدلال و منطق بیشتر یک تحلیل انتزاعی، گنگ و مبهم و مغشوش کننده نیست؟

۷- نتیجه اینکه الینگار در مقابل هر نقد، تحلیل علمی و سیاسی صرفاً یک تفنگچه میکاروف در کمر دارد و هی تخ تخ فیر میکند. ما که جز فیر های هوایی که گلوله هایش عقده، خشم و نفرت است، چیز دیگری ازین مائوئیست ناب ما ندیده ایم.